



مصطفی محدثی خراسانی از نخستین شاعرانی است که در شکل‌گیری و تثبیت «شعر انقلاب اسلامی» نقشی مؤثر و جریان‌ساز داشته است. آثار و دیدگاه‌های او در سال‌های مختلف، هم در حوزه شعر و انقلاب و هم در عرصه شعر دفاع مقدس و مقاومت، از جایگاهی ارزشمند برخوردار است. در گفت‌وگو با خبرنگار کیهان، او از مؤلفه‌های شعر انقلاب، تفاوت آن با شعر اعتراضی جهان، تداوم شعر دفاع مقدس و نقش نهادهای فرهنگی سخن می‌گوید و آینده این جریان را در نسبت با ادبیات معاصر بررسی می‌کند.

شما از نخستین شاعرانی هستید که در شکل‌گیری شعر انقلاب نقش داشته‌اید. اگر بخواهید تعریف خود را از «شعر انقلاب اسلامی» بیان کنید، چه مؤلفه‌هایی برای آن قائل هستید؟

مهم‌ترین ویژگی شعر انقلاب این است که در دوره‌ی معاصر، «خلف‌ترین» شعر فارسی است؛ یعنی به نحو اکمل و اتم میراث‌دار تاریخ شعر فارسی است و بیشترین اتصال را بر سرچشمه‌های اصیل این شعر دارد. در مقایسه با جریان‌هایی که در دهه‌های منتهی به انقلاب در گستره شعر معاصر فعال بودند، شعر انقلاب اسلامی توانست پیوند خود را با ریشه‌های کهن حفظ کند.

از سوی دیگر، شعر انقلاب در موقعیتی خاص و تاریخی در بستر شعر فارسی شکل گرفت. پس از نپما، شاعران بسیاری داعیه نوآوری داشتند. اما نپما موفق شد زیرا نوآوری‌هایش ریشه در پیشینه شعر فارسی داشت و نهایتاً توانست راه به جایی برود و به عنوان یکی از قالب‌های تثبیت‌شده شعر فارسی شناخته شود. پس از او نیز جریان‌هایی پدید آمدند که خواستند پا را فراتر بگذارند. شعر سپید توانست جایگاهی برای خود بیابد، اما بسیاری از جریان‌هایی که بر پایه منافیست‌ها و نظریه‌های ناگهانی شکل گرفتند، در شعر فارسی تثبیت نشدند.

شعر انقلاب اسلامی پس از این فراز و فرودها پدید آمد و توانست عصاره تجربه‌های پیشین را جذب کند؛ آنچه سره بود و می‌توانست در خدمت شعر فارسی باشد. زبان نوکلاسیک، نگاه نو به هستی و پدیده‌ها، همه از دستاوردهایی بودند که شعر انقلاب از دل آن دوران برگزید و در خود هضم کرد.

از سوی دیگر، شور، حماسه و معرفی که لازمه جوش شعر است، در انقلاب اسلامی و پس از آن، در دفاع مقدس متبلور شد. این دو جریان، خون تازه‌ای در رگ‌های شعر فارسی دمیدند و درآمیختن حماسه و عرفان با ذهن و زبانی پویا، خلأی و روزآمد را ممکن ساختند؛ که این از برجسته‌ترین ویژگی‌های شعر انقلاب است.

کتابستان

«خدامان سلطه»؛ واکاوی مطبوعات وابسته در دوران پهلوی

کتاب «خدامان سلطه»، ششمین جلد از مجموعه «نیمه پنهان» و منتشرشده توسط دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، اثری مستند و تحلیلی درباره عملکرد روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران وابسته در دوران پهلوی است. این اثر به بررسی کسانی می‌پردازد که قلم و کاغذ خود را در خدمت رژیم سرکوبگر پهلوی و اهداف نظام سلطه قرار دادند و از جایگاه رسانه‌ای خود برای ترویج دیدگاه‌های بیگانه بهره گرفتند.

در فصل کتاب با عناوینی همچون رواج تملق و چاپلوسی در مطبوعات، آنچه ساواک می‌خواست، دست‌نوشته‌های ساواک در نشریات منتقد، مخالف خوان‌های دولتی، رواج فمینیسم غربی، جریان‌سازی بر ضد روحانیت، تشکیلات قلمی فراماسون‌ها و جاده صاف کن‌های رژیم اشغالگر، نحوه نفوذ و جهت‌دهی رسانه‌ها به مسائل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایران بررسی شده است.

بخش پایانی کتاب شامل تصاویر و مدارک مستند است که صحت مطالب و تحلیل‌های ارائه شده را مستند می‌کند و امکان مطالعه دقیق‌تر عملکرد مطبوعات وابسته را فراهم می‌آورد. این اسناد شامل دست‌نوشته‌های ساواک و نمونه‌هایی از مقالات منتشرشده در مطبوعات آن دوران است که با توجه به متن کتاب، تحلیل و طبقه‌بندی شده‌اند.

«خدامان سلطه» از منظر تاریخی، تحلیلی و مصداقی، روندی روشن از همکاری رسانه‌های وابسته با رژیم پهلوی و تأثیر این همکاری بر فضای فرهنگی و سیاسی کشور ارائه می‌دهد. مطالعه این اثر به پژوهشگران تاریخ معاصر، علاقه‌مندان به مطالعات رسانه‌ای و کسانی که به بررسی تاریخ سیاسی و فرهنگی ایران علاقه دارند، امکان تحلیل مستند و دقیق از نقش رسانه‌ها در حفظ یا تضعیف قدرت سیاسی را می‌دهد.

بخش پایانی کتاب شامل تصاویر و مدارک مستند است که صحت مطالب و تحلیل‌های ارائه شده را مستند می‌کند و امکان مطالعه دقیق‌تر عملکرد مطبوعات وابسته را فراهم می‌آورد. این اسناد شامل دست‌نوشته‌های ساواک و نمونه‌هایی از مقالات منتشرشده در مطبوعات آن دوران است که با توجه به متن کتاب، تحلیل و طبقه‌بندی شده‌اند.



با دفاع از حرم، با یا مسائل داخلی و شهدای معاصر سروده می‌شود، در ذیل همین جریان مقاومت قرار می‌گیرد. حتی شعرهایی که در ارتباط با حوادث امروز ایران و منطقه گفته می‌شود- مانند آنچه در سراسره‌ی جنگ ۱۲ روزه اخیر و شهدای ایرانی سروده شد- همه در تداوم شعر مقاومت، از این رو، شعر دفاع مقدس و شعر مقاومت، جریان‌هایی پایان‌پذیر نیستند؛ تا زمانی که حق و باطل در جهان وجود دارد، این شعر زنده است و ادامه خواهد داشت.

اگر بخواهید از تجربه شخصی خود در شعر انقلاب و دفاع مقدس بگویید، کدام دوران را پر بارتر و تأثیرگذارتر می‌دانید؟

شعر انقلاب اگرچه عمدتاً پس از پیروزی انقلاب و در دوران دفاع مقدس شکوفا شد، اما

گفت‌وگوی مصطفی محدثی خراسانی با خبرنگار کیهان

شاعران دیده می‌شود. مثلاً طاهره صفارزاده، علی موسوی گرمارودی، حمید سبزواری و مهرداد اوستا از جمله چهره‌هایی‌اند که پیش از پیروزی انقلاب، زمینه‌های این جریان را فراهم کردند. حتی می‌توان آثار محمدرضا شفیعی‌کدکنی در کتاب در کوچه‌باغ‌های نیشابور (۱۳۵۲ یا ۱۳۵۳) را نخستین مجموعه شعر مقاومت معاصر دانست. من جایی نوشتم که شعر «حلاج» در همان مجموعه، نقطه آغاز شعر مقاومت در دوران جدید است.

اما شعر انقلاب به معنای خاص خود، هم‌زمان با حرکت مردم در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ متولد شد؛ ابتدا در شعرها و سرودهای مردمی، سپس در شعرهای مکتوب شاعران آن روزها، شور و شعار غلبه داشت تا آنکه نسلی تازه از دل انقلاب برخاست؛ قیصر امین‌پور، حسن حسینی، سلمان

در عین حال، تلاش نهادهایی چون سپاه، حوزه هنری و کنگره‌های فرهنگ جنگ را نمی‌توان نادیده گرفت. من خودم در نخستین کنگره شعر جنگ در سال ۱۳۶۵ در دانشگاه نفت‌اهواز شرکت کردم؛ جایی که شهید احمد زارعی و بسیاری از فعالان فرهنگی آن روزها حضور داشتند. چنین رویدادهایی به جریان شعر انقلاب رسمیت بخشید. اما باید اذعان کرد که امروز، شعر در کشور ما مظلوم است. هیچ نهاد مشخصی متولی سیاست‌گذاری کلان در حوزه شعر نیست. در حالی که برای سینما، معاونت ویژه‌ای در وزارت ارشاد وجود دارد و برای موسیقی اداره‌کل خاصی فعال است، شعر هنوز از چنین جایگاهی محروم است. در بهترین حالت، وزارت ارشاد جشنواره شعر فجر را بر گزار می‌کند یا دفتر کوچکی در خانه کتاب دارد. به باور من، ادبیات و به‌ویژه شعر، که ملی‌ترین و بومی‌ترین هنر ایرانیان است، نیازمند جایگاهی هم‌سنگ معاونت ادبیات در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است؛ جایگاهی که بتواند به صورت کلان و راهبردی از شعر و شاعران حمایت کند. تاریخ و تمدن ما بر دوش شعر منتقل شده و بی‌تردید این میراث، شایسته توجهی بسیار بیشتر از وضعیت فعلی است.

آیا شعر انقلاب نیاز به «بازخوانی نسل جدید» دارد؟ یعنی آیا باید نسل‌ن تازه‌ای از شاعران، مفاهیم انقلاب را با زبان و نگاه امروز بازتعریف کنند؟

به نظر من، خیر. شعر انقلاب نیازی به بازخوانی ندارد. آنچه در دوران انقلاب و دفاع مقدس گفته شده، بازتاب حس، حال و موقعیت تاریخی آن دوران است و همان‌گونه باید حفظ شود. بازگشت به آن مضامین و بازسرایی همان مفاهیم با زبانی تازه، کار عبثی است. هر شعر متعلق به زمان خویش است؛ آنچه در دهه شصت گفته شد، حاصل روح جمعی آن سال‌ها بود و دیگر تکرارپذیر نیست. ارزش آن شعرها در اصالت تاریخی و احساسی‌شان است. نسل امروز باید شعر زمانه خود را بسراید، با زبان و تجربه خویش. من به شدت مخالفم که شاعران جوان بخواهند همان حرف‌های گذشته را با بیانی تازه تکرار کنند. شعر انقلاب باید همچون خود انقلاب، زنده و در حال حرکت باشد؛ نه بازسازی گذشته، بلکه خلق اکنون.

در نگاه شما، آینده شعر انقلاب و دفاع مقدس به چه سمت خواهد رفت؟

شعر انقلاب مسیر خود را می‌پیماید و همچنان پویا و زایاست. امروز نسل جدیدی از شاعران، که بسیاری از آنان پس از دوران دفاع مقدس به دنیا آمده‌اند، با اتصال به همان سرچشمه‌ها می‌سرایند. آنان در جهان معاصر زندگی می‌کنند، اما روح حماسه، عرفان و عدالت‌خواهی شعر انقلاب در آثارشان جاری است.

به باور من، شعر انقلاب آینده‌ای روشن دارد؛ زیرا ریشه در حقیقت و عدالت دارد. تا وقتی انسان در جست‌جوی معنا، عدالت و آزادی است، شعر انقلاب نیز زنده خواهد ماند.

خود شعر گفتند. البته وجود نهادهایی برای حمایت و شناسایی استعدادهای پرکنده بسیار مؤثر است. اما اگر شعر انقلاب می‌خواست تنها بر حمایت‌های دولتی تکیه کند، هرگز چنین رشد و بالندگی نمی‌یافت. جوشش و ذوق‌مهران‌پذیر شاعران انقلابی بود که این جریان را شکل داد.

گویش‌های محلی نیز در حاشیه می‌مانند و نفس‌شان به شماره می‌افتد.

اما این ماجرا تنها به واژه‌ها محدود نمی‌شود. در زیر پوست این تغییر، روانی ناآرام جریان دارد. بسیاری از کاربران احساس



است که به ما یادآور می‌شود زبان، موجودی زنده است؛ می‌رود، تغییر می‌کند، اما اگر رهایش کنیم، پژمرده می‌شود. اینترنت معیارهای اصیل بیگانه است و در این میان، حسن تعالق به فرهنگ و هویت، روزه‌ه‌روز کم‌رنگ‌تر می‌شود.

تک‌ای از حافظه ما از میان می‌رود. اکنون زمان آن رسیده که میان خلاقیت و ریشه‌ها آشتی برقرار کنیم و اجازه ندهیم موج زبان‌سازی، شناسنامه زبانی و فرهنگی‌مان را با خود ببرد.

صبحی تازه

سلسله داستان دختر غزای؛ فصل پایانی

یوسف تکه سنگی برداشت و روی خاک نرم نوشت: «امید». بعد با لیخند کودکانهای مریم، خسته از شب طولانی، چشم‌هایش را باز کرد. دستش هنوز روی دفترچه کوچک و پسر از کلمات امید بود. وقتی نور خورشید از روزنه شکسته وارد زیرزمین شد، انگار صبحگاه‌های دفترچه جان گرفتند و پرنده‌هایی که او کشیده بود، در نور صبح پرواز کردند.

یوسف با هیجان از خواب پرید و بیرون رفت. مریم و مادر پشت سشش رفتند. کوچه‌ها هنوز پر از آجرهای فرو ریخته بود، اما صدای تسوب و خیماره برای اولین بار در چند روز گذشته خاموش شده بود. سکوتی تازه، مثل هدیه‌ای ناگهانی، روی محله افتاده بود.



سیر فرهنگ و هنر اسلامی در اروپا

اسلام در آندلس

آغاز مدنیت نوین اروپایی

بخش یازدهم - فائزه ریاحی

تألیقی که بی‌درنگ از فتح آندلس به دست آمد: فتح اسپانیا برای مردم این سرزمین سراقاز دوران جدید و انقلابی بزرگ بود که وضع سیاسی اجتماعی و فرهنگی آن‌ها را زیر و رو کرد.

تألیقی که داشت شامل: (۱) حکومت اسلامی باعث از بین رفتن حقوق و اختیارات طبقات ممتازه روحانیان و اشراف و نجیب‌زادگان و آزاد شدن طبقه زنجیده غلامان و نوکران شد که تا آن زمان مانند چهارپایان با آن‌ها رفتار می‌شد. آن‌ها در املاکی که به دست مسلمانان در آمد مثل یک کشاورز و یک مستاجر یا کمال آزادی کار می‌کردند و عملاً زمین‌ها را تصرف کامل بلکه برای آن‌ها بود و فقط از محصول زمین سهمی به مالک مسلمان داده می‌شد. (۲) لغو سندن عوارض و باج‌های سنگینی که پیشه و هنر و حرفه و فنون را از بین برده و طبقه متوسط را تگران کرده بود. (۳) برقراری اصول مالیاتی عادلانه و معینی که بر اساس عدل و مساوات بر قرار بود:

(الف) مالیات سرشماری که فقط از غیرمسلمانان گرفته می‌شد و دوازده قسب بود که باید ماهی یک قسب پرداخت می‌کردند و آسان و راحت بود زیرا با تغییر یافتن شرایط و اوضاع زندگی افراد تغییر می‌کرد به علاوه راهبان و زنان و کودکان از آن معاف بودند و از افراد فقیر و بیمار و بردگان هم گرفته نمی‌شد.

(ب) مالیات اراضی که بر روی میزان محصول بود و بر روی زمین و کشاورز سنگین نبود.

(۴) بسته شدن قراردادهای بین مسلمانان و بسیاری از شهرهای اسپانیا در ایام حمله و جنگ که عرب‌ها پس از فتح هم آن‌ها را کاملاً محترم می‌شمردند و از آن تخلف نوزیردند و حتی غیر از املاک و زمین‌های اشراف و رؤسای کلیسا و اساقفه که را قرار کرده بودند و با جزو باغیان گالیسیا در آمده بودند هیچ زمین را توقیف نکردند.

(۵) آزادی عیسویان که تاکنون مورد تعقیب و اذیت و آزار در انجام مراسم دینی خود و نیز در امور قضائی بودند.

(۶) روشن شدن مشعل مدنیت و دانش در اسپانیا به دست مسلمان‌ها در زمانی که تمام اروپا اسیر جهل و نادانی و گرفتار جنگ‌های وحشیانه بود. تحقیقات و توضیحات بعضی از مستشرقین و مورخان غربی در این زمینه وضع را روشن می‌کند: دوزی مستشرق معروف درباره آثار فتح اسلامی می‌گوید: «سلطه عرب از برخی جنبه‌ها برای اسپانیا به منزله نعمتی بود و در اسپانیا انقلاب مهم اجتماعی پدید آورد و بر بسیاری از دردهایی که قرن‌ها بود عامه مردم گرفتار آن‌ها بودند پایان داد. به سلطه اشراف و طبقات ممتاز پایان داد یا آن را محدود کرد. زمین‌ها به نحو وسیعی میان دهقانان تقسیم شد و این خود عامل مهمی در توسعه کشاورزی در این عصر بود. اسلام همچنین احوال بردگان را به نحو بازاری بهبود بخشید، زیرا اسلام بیش از مسیحیت درصد آزاد کردن بردگان بود. علمای دینی کونت نیز به این امر بی برده بودند، از این‌رو وضع بردگانی که در مزارع کار می‌کردند، روی به بهبود نهاد و تقریباً در شمار کشاورزان درآمدند و از استقلال و آزادی بهره‌مند گردیدند.»



بسیاری از مردم طبقات فردوست و متوسط اسپانیا اسلام آوردند و آن به سبب وجود تسامح و عدالت در رفتار فاتحان مسلمان بود که هیچ‌گونه تحمیلی بر دیگران روا نمی‌داشتند.

به گفته آرنولد آربی «حقیقت این است که تسامح مذهبی که فاتحان مسلمان نسبت به مسیحیان از خود نشان می‌دادند، تأثیر شگرف و عمیقی در نفوذ استیلای آنان بر اسپانیا داشت.»

اتانامیر مستشرق بلند پایه اسپانیایی می‌نویسد: فاتحین عرب مالکیت افسردار را بر املاک و اموال خود تثبیت کردند و بر زمین‌های کشاورزی و باغ‌های میوه نوع مالیات کشاورزی وضع کردند که شباهت به جزیه داشت، مثلاً در شهر قلمریه نه تنها زمین‌های کشاورزی بین کشاورزان توزیع شد بلکه به آنان اجازه تصرف و آزادی خرید و فروش آن نیز داده شد، و حال آنکه طبق قوانین روم که گوت‌ها اجرا می‌کردند نقل و انتقال مالکیت زمین محدود بود. اما زمین‌های کشاورزی اشراف و مناطقی که با جنگ تصرف شده بود پس از تعیین خمس آن بین فرماندهان سپاه و سربازان عرب و بربر تقسیم شده بود و در تقسیم اراضی مناطق شمال اسپانیا از قبیل جلیقه و استراس به بربرها تعلق گرفت و ولایات جنوبی که آندلس خوانده می‌شود به قبایل عرب و به بردگان زمین آزادی کامل داده شده و زمین‌های زراعی به آنان اجازه داده شد و با مقداری از محصول زمین که از یک سوم تا دو پنجم باشد به آنان اختصاص داده شد، در نتیجه اوضاع و احوال کشاورزان بهبود یافت و کشاورزان نفس راحتی کشیدند این اصلاحات مالکیت‌های بزرگ را از میان برد و وضع سایر بردگان را نیز بهبود بخشید برای آنکه هر بردای مسلمان می‌شد آزاد می‌گردید.

ایلی‌پول توجه به عناصر مهم لشکران اسلام نکته است، که آنان از ملت‌های عرب و فرع‌عرب تشکیل شده بودند و ایرانیان که از آنان با نام فرس یاد می‌شود نقش اساسی تنظیم امور دیوان را در خلافت امویان و سپس عباسیان به عهده داشن‌اند. فتح اسپانیا هر قدر برای مردم و ملت‌های سرزمین‌های فتح شده آسودگی و خیرات به همراه آورد برای حکام و فاتحان عرب برعکس آن بود و باورنکردنی است که چگونه ملت عرب که به این سرعت و آسانی بر نیمی از عالم تمدن آن روزگار دست یافت و حکومت خود را بر آن مستقر کرده در داخل و از درون آشفته و با هم تا این حد اختلاف و درگیری زیادی داشته است و نیروی عظیم اسلام هنوز اختلاف‌های قبایل مختلف و افتخارات آنان را به گذشته خود به کلی از بین نبرده بود، و هر وقت عرب از جهه جنگ و فتوحات جدید که چند حرکت اساسی داشت: (الف) عشق به نشر اسلام و با تعصب برای آن. (ب) عشق به کشته شدن در حال جهاد که بهشت و حور العین جایزه آن بود.

(ج) عشق به دست آوردن غنائم و بردگان زیراپور چون افسانه ثروت‌های دو امپراطوری فارس و روم دهان به دهان می‌گشت. هر وقت عرب فراغت می‌یافت به مشاخره و اختلافات قبیله‌ای و تعصب برای آن می‌پرداخت، و این تعصب قبیله‌ای عرب در تمام سرزمین‌های اسلامی حتی در دارالخلافه و نزد خود خلافت اموی شام دیده می‌شد و تعیین حکام و فرماندهان تحت تأثیر این چنین تعصب کورکورانه‌ای بود، تعصب نژادگرایانه فرماندهان موجب بسیاری از اختلافات و ناآرامی‌ها در پنجاه سال اول حکومت اسلام در آندلس بود، امیر آندلس از طرف حاکم عرب در قیرون (افریقیه) تعیین می‌شد، هر بار این حاکم از قبیله طی یا قیس یا از بنی‌ها یا از بنی کنده تمیم بود اگر قبایل دیگر علیه او توطئه و ایجاد ناراحتی می‌کردند.